

## سناریوهای آینده برجام و تأثیر آن بر امنیت منطقه خلیج فارس

رضا ذبیحی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

### چکیده

توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ تا پیش از خروج آمریکا از برجام، علی‌رغم انتقادات وارده، به‌عنوان محملی برای برون‌رفت از مسائل پیش‌آمده پیرامون برنامه هسته‌ای ایران شناخته می‌شد. به‌طوری‌که طبق ادعای بسیاری از مقامات غربی، این توافق توانسته بود گام مهمی در جهت نظم عدم اشاعه بردارد. ایران نیز از مزایای نسبی آن بهره‌مند گردید که تجلی این امر در آمارهای اقتصادی قابل رؤیت است. اگرچه عمر این توافق کوتاه بود، اما تأثیر آن بر امنیت منطقه‌ای خلیج فارس قابل‌مشاهده و بررسی است. با این وجود، خروج یک‌جانبه دولت ترامپ از این توافق، بار دیگر شرایط را در بسیاری از پارامترها به زمان پیش از انعقاد آن برگرداند. اکنون و به‌دنبال روی کار آمدن یک دولت دموکرات در آمریکا به رهبری بایدن و تلاش این کشور برای بازگشت به توافق هسته‌ای، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که «چه سناریویی درخصوص احیای برجام، تأثیر بیشتری بر افزایش امنیت منطقه خلیج فارس خواهد داشت؟». در پاسخ به این سؤال، این سناریوها احصاء می‌شود: در سناریوی نخست، مذاکرات در نهایت منجر به احیای برجام نمی‌گردد که بر این اساس امنیت منطقه‌ای نسبت به قبل متزلزل‌تر می‌گردد و در بهترین شرایط به شکل فعلی حفظ می‌گردد. در سناریوی دوم، احیای برجام تحقق می‌یابد، اما کشورهای منطقه نسبت به این امر نگاهی تهدیدآمیز خواهند داشت؛ لذا اگرچه امنیت منطقه‌ای نسبت به گذشته به‌طور قابل‌توجهی بهبود می‌یابد، اما همچنان دستخوش نوسان خواهد بود. در سناریوی سوم، احیای برجام همراه با فهم مسالمت‌آمیز کشورهای منطقه نسبت به این رویداد است. در این شرایط، امنیت منطقه‌ای به شکل محسوسی بهبود پیدا خواهد کرد و کشورهای منطقه به سمت همگرایی بیشتر امنیتی و اقتصادی پیش خواهند رفت.

**کلیدواژه‌ها:** آینده‌پژوهی، سیاست خارجی ایران، احیای برجام، سناریونویسی، امنیت منطقه‌ای.

۱. استادیار روابط بین‌الملل، گروه مطالعات جغرافیای ایران، بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران [r.zabihi@iranology.ir](mailto:r.zabihi@iranology.ir)

## مقدمه

به‌دنبال گزارش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در سال ۱۳۸۱ درخصوص برنامه هسته‌ای ایران، روابط میان ایران با غرب و نیز برخی کشورهای منطقه که روبه‌بهبود بود، مجدداً حالت پرآشوب و مخاطره‌آمیزی به‌خود گرفت. ایران بارها اعلام کرده بود که هرگز قصدی برای انحراف برنامه هسته‌ای خود به‌سوی تسلیحات هسته‌ای نداشته است، با این وجود، ابراز نگرانی بخش بزرگی از جامعه بین‌المللی درخصوص این امر در پاره‌ای از مواقع، باعث به‌وجود آمدن یک بحران بین‌المللی در این زمینه شد، به‌طوری‌که قطعنامه‌های متعددی علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر شد. جانبداری برخی از کشورهای منطقه از اقدامات شورای امنیت و بعضاً همراهی آنها در اعمال تحریم‌ها علیه ایران، امنیت منطقه‌ای را بیش‌ازپیش تحت مخاطره قرار داده و تضعیف می‌کرد. اما در نهایت، انعقاد توافق هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی در تیر ماه سال ۱۳۹۴ (ژوئیه ۲۰۱۵) که به برجام موسوم است، باعث شد بعد از حدود ۱۳ سال کشمکش بر سر برنامه هسته‌ای ایران، دورنمایی از صلح و آرامش در روابط میان ایران با این کشورها هویدا شود. همچنین این امر، نوید اوضاع بهتری را از نظر امنیتی در منطقه غرب آسیا می‌داد. با وجود این، اقدام ترامپ در نقض آشکار قوانین بین‌المللی و به حاشیه راندن حقوق بین‌الملل، سبب گردید بار دیگر دوره‌ای از تنش در روابط میان ایران و کشورهای مزبور آغاز گردد. البته اقدامات ایران طی این دوره باعث شد در موارد بسیاری آمریکا در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی در انزوا قرار گیرد. به‌عنوان نمونه آمریکا برای پیش بردن مکانسیم ماشه، نتوانست همراهی هیچ کشور غربی را به‌دست آورد و در عمل، جامعه بین‌المللی و به‌خصوص سایر قدرت‌های بزرگ عضو برجام، از ایران جانبداری کردند. با این وجود، اثرات شدید ناشی از تحریم‌های یک‌جانبه و غیرقانونی ایالات‌متحده علیه ایران از یک‌سو و همراهی ضمنی و گاهی آشکار برخی از کشورهای منطقه با تصمیمات ترامپ از سوی دیگر، بار دیگر امکان به‌وجود آمدن شرایط وخیمی را درخصوص امنیت منطقه بوجود می‌آورد. از این‌رو، در این پژوهش به‌دنبال آن هستیم که احتمالات آتی درخصوص سرنوشت برجام را بررسی کرده و تأثیر آن را بر امنیت منطقه برآورد نمایم. برای این منظور از طریق آینده‌پژوهی و روش سناریونویسی عمل خواهیم کرد و آنگاه صحت احتمالی هر یک از سناریوهای مطرح شده را خواهیم سنجید.

## مبانی نظری: آینده‌پژوهی در روابط بین‌الملل

پیش‌بینی آینده و به دیگر سخن آینده‌پژوهی و یا درمعنای حداقلی درک تغییرات در آینده، از جمله دغدغه‌هایی است که همواره در علوم انسانی مطرح بوده است. براساس تعریف «گویکان» آینده‌پژوهی «فرایندی نظام‌مند، مشارکتی و گردآورنده ادراکات آینده است که چشم‌اندازی میان‌مدت تا بلندمدت را با هدف اتخاذ تصمیمات به‌روز و بسیج اقدامات مشترک بنا می‌سازد» (علی‌احمدی، ثقفی و فتحیان، ۱۳۸۶، ص. ۵). درواقع آینده‌پژوهی را می‌توان تلاشی نظام‌مند دانست که می‌کوشد متغیرهای بر پدیده‌های آینده و کیفیت تغییرات آن را شناخته و الگوهای تغییر را برای تقویت پیش‌بینی و ترسیم آینده‌های بدیل مورد استفاده قرار می‌دهد. در نتیجه پیام اصلی آینده‌پژوهی آن است که در هنگام تصمیم‌گیری، فضاهاى آینده را ترسیم کرده و نتیجه اقدامات امروز در چارچوب آینده تحلیل شود (محمدی لرد، ۱۳۹۵؛ ص. ۷۸).

در علم روابط بین‌الملل نیز در حالی که «والتز» معتقد بود که وظیفه نظریه تنها تبیین و نه پیش‌بینی است (والتز، ۱۳۹۲)، اما در دیگرسو نظریات انتقادی و مکتب «فرانکفورت» و تجلی آنها در روابط بین‌الملل که مبتنی بر نظریات «رابرت کاکس» می‌باشد، به ساخت اجتماعی واقعیت و معرفت معتقدند و نگاهی تاریخی دارند، در نتیجه نگاهشان برای توضیح روابط بین‌الملل آنگونه است که پیش‌بینی آینده را امری ممکن و بعضاً ضروری می‌دانند.

اندیشمندان زیادی از جمله «مارکس» که وارث اندیشه «هگل» است و نیز «جان استوارت» با میل به تأسی از «آگوست کنت»، درباره نگاه به آینده صاحب‌نظر بوده‌اند. «هگل» معتقد بود رابطه انسان با اجتماع، رابطه‌ای اندام‌وار است. بنابراین برای آنکه بتوان دریافت چرا یک فرد کاری را انجام می‌دهد یا در وضعیتی قرار دارد، باید او را در اجتماع خودش مطالعه کرد و برای آنکه اجتماع او را بشناسیم، باید تاریخ و نیروهای شکل‌دهنده آن اجتماع را بشناسیم. به این ترتیب با شناخت «روح زمانه»<sup>۱</sup> می‌توان نیروهای پیش‌برنده تاریخ گذشته، حال و آینده را شناخت و به‌نوعی به پیش‌بینی جبرگرایانه رسید (تیشه‌یار، ۱۳۹۰، ص. ۲۷).

در این میان «کارل پوپر» معتقد است از آموزه تاریخ‌گرایانه‌ای که می‌گوید وظیفه علوم اجتماعی پیش‌بینی تحولات تاریخی است، نمی‌توان دفاع کرد. «جز پوپر»، «تالکوت پارسونز» جامعه‌شناس

انگلیسی نیز در کتاب ساختار کنش اجتماعی که در سال ۱۹۳۷ آن را تألیف کرد، این نوع تاریخ‌گرایی را قصه‌پردازی آرمان‌گرایانه می‌خواند (تیشه‌یار، ۱۳۹۰، ص ص. ۲۸-۳۰).

در عین حال «فرانز بوآس»<sup>۱</sup> انسان‌شناس معروف آمریکایی، در دهه ۱۹۲۰ ایده جدیدی را در برابر تئوری‌های تاریخ تک‌خطی، مانند آنچه «داروین» درباره تکامل انسان بیان کرده بود، ارائه داد. او به‌نوعی خاص‌گرایی تاریخی<sup>۲</sup> معتقد بود. براساس این نظر، هر جامعه، مجموعه‌ای از گذشته‌های تاریخی منحصر به خود است. «بوآس» مخالف این ایده بود که تمام جوامع در مسیری همسان گام برمی‌دارند، سیر تحول یکسانی را طی می‌کنند و به توسعه مشابهی دست می‌یابند. در مقابل خاص-گرایی تاریخی نشان می‌دهد که جوامع می‌توانند مسیرها و تحولات ناهمسانی را طی کنند و در عین حال، به یک اندازه توسعه یابند. متغیرهایی مانند شرایط محیطی، عوامل روانی و ویژگی‌های تاریخی (بوآس روی عامل سوم تأکید می‌کند) در تعیین مسیر رشد جوامع مختلف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (Boas: 1920, p p. 311-321).

از یک منظر شیوه‌های آینده‌پژوهی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. روش‌های هنجاری که بیشتر مأموریت‌گرا بوده و آینده مطلوب را ترسیم می‌کنند؛ روش‌های اکتشافی که متمرکز بر آینده‌ای هستند که ممکن است فارغ از اینکه چه آینده‌ای مطلوب است اتفاق بیفتد و سومین شیوه رویکرد ترکیبی از دو رویکرد پیشین است که از یک سو عینیت رهیافت‌های آینده‌پژوهی را تضمین می‌کند و از سوی دیگر جنبه‌های تجویزی آینده‌پژوهی را محفوظ می‌دارد (مردوخ، ۱۳۹۱، ص. ۱۴) در این پژوهش با عنایت به روشی که در ادامه توصیف خواهد شد، تلاش شده است ضمن ترسیم تمام آینده‌های ممکن، آینده مطلوب شناسایی شده و سیاستمداران برای گام برداشتن در آن مسیر تشویق شوند.

## روش پژوهش

به‌منظور پیشبرد یک پژوهش مبتنی بر آینده‌پژوهی، می‌توان با اتکای به روش‌هایی چون تخمین روند<sup>۳</sup>، روش دلفی<sup>۴</sup> و روش تحلیل تأثیر<sup>۵</sup> اقدام کرد. یکی دیگر از روش‌های مرسوم در این زمینه

1. Franc Boas
2. Historical Particularism
3. Trend extrapolation
4. Delphi studies
5. Impact analysis

«سناریونویسی» است. برپایه مشهورترین الگویی که برای انجام سناریونویسی توسط «پیتر شوارتز» در کتاب هنر دورنگری (Schwartz, 1991) پیشنهاد گردیده است، یک پژوهش به روش آینده‌پژوهانه مبتنی بر سناریو دارای هشت گام ذیل است:

گام اول: شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی؛

در این گام، در واقع تعریف موضوع پروژه یا تصمیم‌های کلیدی سازمانی از پروژه که تأثیرات بلندمدتی دارد، مطرح می‌شود. هرچقدر گستره تصمیم یا موضوع مورد بحث محدودتر باشد تدوین سناریوها آسان‌تر خواهد بود. بدین منظور، در این گام نیاز است که شناسایی بازیگران اصلی ذی‌نفع و دخیل در این سناریوها صورت پذیرفته و ذکر گردد.

گام دوم: شناسایی عوامل و عناصر کلیدی در محیط نزدیک؛

بعد از آنکه موضوع یا تصمیم‌های اصلی مشخص شد، فهرستی از عوامل کلیدی که بیشترین تأثیرات مستقیم در پیامدهای شناخته‌شده دارند، تهیه می‌شود. این عوامل بر موفقیت یا ناکامی آن تصمیمات، تأثیرگذار هستند. هدف از این گام، عمدتاً فهم تحلیل از تصمیم یا موضوع پروژه است.

گام سوم: شناسایی نیروهای پیشران؛

این گام مربوط است به تهیه فهرست روندهای هدایت‌کننده در محیط کلان که بر عوامل کلیدی شناخته‌شده در گام قبل تأثیرگذار هستند. این نیروها در واقع به عوامل کلیدی، شکل بخشیده و وضعیت آنها را مشخص می‌کنند. نیروهای پیشران تغییرات می‌توانند روندهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تکنولوژی و زیست‌محیطی باشند. قطعاً بعضی از این روندها نسبتاً مشخص هستند و بعضی با عدم قطعیت بسیار همراه هستند. دانستن اینکه چه چیزهایی از این روندها، ضروری و غیرقابل اجتناب بوده و چه چیزهایی غیرقابل پیش‌بینی و همچنان موضوع انتخاب هستند، بسیار مفید است.

گام چهارم: طبقه‌بندی براساس اهمیت و عدم قطعیت؛

قدم بعدی شامل طبقه‌بندی عوامل کلیدی و نیروهای پیشران براساس دو معیار است؛ اول، درجه اهمیت برای موفقیت در موضوع یا تصمیم اصلی که در گام اول شناسایی شده است. دوم، درجه عدم قطعیت احاطه‌کننده آن عوامل و روندها است. نکته اصلی در این گام شناسایی حدود دو یا سه عامل یا روندی است که با اهمیت‌ترین بوده و با بیشترین عدم قطعیت همراه باشند.

معیار عدم قطعیت به این دلیل استفاده می‌شود که روندهای نسبتاً ثابت و مشخص در تمامی

سناریوها به‌طور یکسانی وجود دارند و لحاظ خواهند شد. ولی برای داشتن سناریوهای گوناگون، عناصر نسبتاً با عدم قطعیت بالا، مفید خواهند بود.

#### گام پنجم: انتخاب منطق سناریوها؛

در عمل، نتیجه مرحله طبقه‌بندی روندهای با اهمیت و عدم قطعیت، محورهایی است که سناریوهای نهایی براساس آنها تعیین و متمایز می‌شوند. هدف نهایی، رسیدن به سناریوهایی است که تفاوت‌های موجود بین آنها، برای تصمیم‌سازان قابل توجه بوده و آینده‌های مختلف و سناریوهای گوناگون را رقم می‌زنند. در عمل آینده‌های مختلف زیادی می‌توانند رخ دهند، ولی تنها چند سناریو می‌تواند در جزئیات کامل توسعه یابد، چراکه در غیر این صورت، سناریوها خیلی زیاد شده و ارزش خود را از دست می‌دهند.

#### گام ششم: پربار کردن سناریوها؛

بعد از شناسایی مهمترین نیروهای پیشران و منطق‌هایی که سناریوها را از هم متمایز می‌کنند، نوبت به پربار کردن اسکلت و جزئیات سناریوها با رجوع به عوامل کلیدی و روندهای شناسایی شده در گام‌های دوم و سوم می‌رسد. هرکدام از عوامل کلیدی و روندها در هریک از سناریوها، باید مورد توجه قرار گیرند. برخی اوقات به‌سرعت روشن می‌شود که کدام جنبه از عدم قطعیت در کدام یک از سناریوها می‌بایست قرار داده شود. در این مرحله سناریوها باید به‌طور واضح و آشکاری، منطق ساختاری و مفروضات کلیدی را نشان دهند.

#### گام هفتم: شناسایی پیامدها؛

بعد از تعیین جزئیات سناریوها، زمان آن است که با رجوع به موضوع یا تصمیم اصلی شناخته شده در گام اول، تمرین آینده روی آنها انجام شود. اینکه تصمیم موردنظر در هرکدام از سناریوها چطور به‌نظر می‌رسد؟ چه مشکلاتی آشکار می‌شود؟ آیا تصمیم یا راهبرد تدوین شده در تمامی سناریوها پابرجاست یا تنها در یک یا دو سناریو خوب به‌نظر می‌رسد؟ اگر یک تصمیم تنها در یک سناریو خوب به‌نظر آید، آن تصمیم به عنوان ریسک بالا، در نظر گرفته می‌شود.

#### گام هشتم: انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما؛

درک سریع این موضوع که کدام یک از سناریوهای تعیین شده، به واقعیت در حال ظهور نزدیک‌تر شده است، بسیار مهم است. هنگامی که سناریوهای مختلف پربار شدند و مضامین آنها برای موضوع اصلی مشخص شد، مناسب است که زمانی برای تحلیل و شناسایی چند شاخص

راهنما به منظور نظارت مداوم بر تحولات صرف شود. مواردی نظیر اینکه چه نیروها و عوامل کلیدی نیازمند پایش می‌باشند؟ یا اینکه چه موضوع خاصی نیازمند برنامه‌ریزی حساس و بحرانی تشخیص داده می‌شود؟ و یا اینکه چه موضوعات حساس و مهمی در سناریوها مشخص شده است؟ و دیگر اینکه چه تهدیدات و فرصت‌هایی در هریک از سناریوها نهفته است؟ (شوارتز، ۱۳۸۶).

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق را می‌توان به صورت کلی به سه بخش کلان تقسیم کرد. در بخش نخست به مقدمات طرح سناریوها پرداخته می‌شود و براساس آن، موضوع اساسی و کنشگران اصلی، عوامل کلیدی و تأثیرگذار، پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها، احصاء شده و درباره آنها توضیح داده می‌شود. در بخش دوم مؤلفه‌های امنیت بررسی می‌گردند و درنهایت در بخش سوم سناریوهای آینده برجام مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

#### مقدمات طرح سناریوها

موضوع اصلی مطرح در این پژوهش، آینده وضعیت برجام و بررسی امکان احیای آن از سوی بازیگران عضو در آن است و اینکه این وضعیت، درنهایت چه تأثیری بر امنیت منطقه‌ای خواهد گذاشت؟ بنابراین با توجه به مراحل ذکر شده به منظور انجام آینده‌پژوهی در نگاه «شوارتز»، اکنون برای طرح سناریوهای مرتبط با آینده برجام، نیاز است که حداقل چهار اقدام مطالعاتی مقدماتی صورت گیرد و پس از آن می‌توان به طرح و بررسی سناریوها در این خصوص پرداخت.

#### شناسایی موضوع اساسی، کنشگران اصلی و رویکردها

موضوع اساسی در این آینده‌پژوهی، بررسی امکان احیای برجام و نیز چگونگی این احیا، در صورت وقوع آن است. با این اوصاف، کنشگران اصلی در بررسی سناریوهای مرتبط با آینده برجام، مجموعه متعددی از بازیگران داخلی و بین‌المللی را شامل می‌شود (ذبیحی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۸-۱۱۷ و ۳۳۷-۳۲۴). از سوی دیگر با توجه به اینکه قصد داریم عواقب چگونگی وضعیت آتی برجام را بر امنیت منطقه‌ای بسنجیم، مجموعه دیگری از بازیگران شامل بازیگران منطقه‌ای در این میان حائز اهمیت خواهند بود. اگرچه لازم به تأکید است که بازیگران منطقه‌ای در موضوع برجام و احیای احتمالی آن نیز به نوبه خود دارای نقش مؤثر و حائز اهمیتی هستند. با این احتساب، می‌توان بازیگران مؤثر در این آینده‌پژوهی را در عناوین ذیل مورد اشاره قرار داد:

۱. بازیگران دولتی شامل اعضای سابق و فعلی برجام: این مجموعه از بازیگران، جزو مهمترین کنشگران این پژوهش محسوب می‌گردند. مجموعه مذکور خود شامل دو بخش است: اعضای فعلی برجام که شامل کشورهای ایران، آلمان، انگلیس، فرانسه، روسیه و چین و نیز اتحادیه اروپا به‌عنوان هماهنگ‌کننده می‌شود. کنشگر دیگر نیز کشور ایالات‌متحده آمریکا است که دولت این کشور در زمان ترامپ رسماً خروج این کشور از برجام را اعلام کرد.

۲. بازیگران داخلی به‌ویژه بازیگران داخلی ایران و آمریکا: هر پژوهش بین‌المللی اگرچه در اساس بازیگران ملی و فراملی را در برمی‌گیرد، اما نگاه ژرف‌اندیشانه و موسع‌تر بر اهمیت حضور و نقش بازیگران داخلی نیز تأکید دارد. موضوعات مرتبط با برجام و احیای احتمالی‌اش، از جمله مواردی است که در آن نقش‌آفرینی بازیگران داخلی، به‌ویژه همزمان با جابه‌جایی آنها در هرم قدرت، به‌وضوح قابل مشاهده است. در این میان باید متذکر شد که بازیگران داخلی در کشورهای اروپایی عضو برجام شامل انگلیس، فرانسه و آلمان به‌همراه بازیگران داخلی در دو کشور روسیه و چین از اهمیت کمتری برخوردار هستند. زیرا رویه دولت‌ها در قبال مسئله هسته‌ای ایران، حتی با جابه‌جایی قدرت در این کشورها تغییر چندانی نداشته است (ذبیحی، ۱۴۰۰، ص ۳۸۶-۳۰۷). در این میان نقش و اثرگذاری بازیگران داخلی در دو کشور ایران و ایالات‌متحده به‌وضوح قابل مشاهده است. چه در زمانی که با جابه‌جایی قدرت، رویه دولت‌ها متفاوت می‌گردد و چه در زمانی که نیروهای مخالف دولت‌ها سعی در اثرگذاری در روند مذاکرات و آینده برجام دارند.

۳. بازیگران منطقه‌ای: بازیگران منطقه‌ای خاورمیانه (منطقه غرب آسیا) به‌ویژه بازیگران منطقه خلیج فارس شامل: عراق و همچنین شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، مجموعه کنشگرانی هستند که نقش اولیه و اساسی را در نظم و امنیت این منطقه ایفا می‌کنند. در این میان نقش بازیگران عربستان سعودی برجسته‌تر و پراهمیت‌تر است.

۴. بازیگران فراملی و سازمان‌های بین‌المللی مجموعه دیگری از بازیگران هستند که طی سال‌های متمادی بر روند پرونده هسته‌ای ایران و از جمله موضوع برجام و احیای آن اثرگذار بوده‌اند. در این میان شورای امنیت سازمان ملل متحد نقش کلیدی و حائز اهمیت داشته است، البته بازیگری فعال آن، مرتبط با زمان پیش از احیای برجام است. همچنین در صورت عدم تحقق احیای برجام، امکان حضور پر نقش‌تر این ارگان سازمان ملل، بیشتر خواهد شد. سازمان بین‌المللی مهم دیگری که بازیگر کلیدی و منحصر به فردی در زمینه پرونده هسته‌ای ایران بوده، آژانس



بین‌المللی انرژی اتمی است که اهمیت آن در تمامی برهه‌ها و دوره‌های زمانی مرتبط با این پرونده پررنگ و اساسی می‌باشد. اگرچه، این نقش در زمانی که مذاکرات منجر به توافق جاری و برقرار بوده، چه در باب مذاکرات برجام و چه درخصوص مذاکرات احیای آن، نسبت به سایر زمان‌ها ویژه‌تر بوده است. به‌خصوص در مقایسه با زمانی که پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع گردیده بود.

البته نباید از نظر دور داشت، همچنان که واقع‌گرایان مورد تأکید قرار داده‌اند، نقش سازمان‌های بین‌المللی عمدتاً فرعی و متأثر از اراده و نفوذ قدرت‌های بزرگ است و درخصوص پرونده هسته‌ای ایران نیز چنین وضعیتی قابل رصد و مشاهده می‌باشد.

۴. سایر بازیگران دولتی ذی‌نفع در روند پرونده هسته‌ای ایران: اهمیت موضوع هسته‌ای ایران، از یک‌سو با توجه به اینکه به رژیم منع اشاعه برمی‌گردد و از سوی دیگر، با توجه به اینکه این موضوع، در منطقه حساس و پرتلاطم خاورمیانه در جریان است؛ بازیگران متعددی دیگری را جزو بازیگران ذکرشده شامل می‌گردد. در این میان می‌توان به کشور ترکیه اشاره کرد که در این‌خصوص در برهه‌هایی میزبان مذاکرات و یا میانجی و پیشنهاددهنده برای نحوه تعامل بوده است. همچنین دولت حاکم بر رژیم صهیونیستی نیز با توجه به اینکه موقعیت خود را با وجود یک ایران برخوردار از قدرت هسته‌ای، در منطقه در خطر می‌دیده است، در این زمینه حساسیت‌ها و اقدامات خاص و بعضاً خرابکارانه داشته است.

به‌دنبال شناسایی موضوع اساسی و کنشگران اصلی، رویکرد این بازیگران به موضوع مطرح‌شده را مورد بررسی قرار می‌دهیم که به شرح ذیل است:

#### ۱. رویکرد ایالات متحده آمریکا به موضوع برجام:

یکی از مهمترین عوامل کلیدی درخصوص امکان احیای برجام، مرتبط با رویکرد دولت ایالات متحده آمریکا نسبت به احیای آن است. پیشتر اراده دولت ترامپ به‌عنوان مخالف اصل برجام، سبب گردید که این توافق در معرض نابودی کامل قرار گیرد. اما روی کار آمدن دموکرات به رهبری جو بایدن و اراده اعلامی آنها مبنی بر تلاش به‌منظور احیای برجام، سبب گردید دورنمایی درجهت احیای مجدد این توافق پیدا گردد (Einhorn, 2022).

#### ۲. رویکرد ایران به موضوع برجام:

رویکرد دولت ایران درخصوص توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ و اتفاقات پیرامون آن، به‌همراه رویکرد

ایالات متحده نسبت به این موضوعات، دو رکن اساسی است که در وقوع اصل رویداد احیای برجام مطرح می‌باشند. تلاش دولت ایران در زمان رئیس‌جمهور روحانی به فاصله کوتاهی پس از روی کار آمدن دموکرات‌ها در آمریکا، آغاز گردید. به‌طوریکه شش دور مذاکره در وین در این-خصوص انجام شد و نتایج اولیه‌ای در این‌زمینه به‌همراه داشت. در دولت رئیس‌جمهور رئیسی نیز پس از وقفه‌ای چندماهه، رویکرد ضرورتِ تداوم مذاکرات به‌منظور احیای برجام و رفع تحریم‌ها ادامه یافت. زیرا دولت جدید نیز معتقد بود که تلاش به‌منظور رفع تحریم‌ها یکی از وظایف اصلی دولت محسوب می‌گردد. اگرچه اصرار داشته تأکید ورزد که پیشرفت کشور را نباید منوط به موضوع رفع تحریم‌ها کرد.

### ۳. رویکرد اروپایی‌ها به موضوع برجام:

سه کشور اروپایی با محوریت اتحادیه اروپا از جمله بازیگران بسیار مهم و تأثیرگذار در روند انعقاد برجام و احیای احتمالی آن محسوب می‌گردند. با این‌وجود، عملکرد این بازیگران در زمان خروج آمریکا از برجام، مشخص کرد که این کشورها از توانایی لازم به‌منظور حفظ برجام، بدون حضور آمریکا برخوردار نیستند. چنانکه توافق سال ۲۰۱۵ نیز زمانی به موفقیت دست یافت که آمریکا به مذاکرات پیوست (Hamid, 2021). علی‌رغم این موضوع، نمی‌توان از نظر دور داشت، که نقش و اراده آنها نسبت به موضوع احیای برجام، جایگاهی محوری دارد. به‌ویژه به‌دلیل اینکه مذاکرات به‌منظور احیای برجام به‌صورت غیرمستقیم و با میانجیگری اروپایی‌ها جریان پیدا کرده است. فارغ از اینکه آنها در این میانجی‌گری، بیشتر جانب کدام طرف را داشته‌اند، قابل مشاهده است که تلاش زیادی به‌منظور حصول توافق در زمینه احیای برجام مصروف داشته‌اند.

### ۴. رویکرد روسیه و چین به موضوع برجام:

دو کشور روسیه و چین که به‌عنوان رقبای غرب در عرصه‌های مختلف محسوب می‌گردند و جزو هفت کشوری هستند که برجام را بنیان نهادند، در مذاکرات احیای برجام نیز برخوردار از نقش ویژه بودند. آنها پس از انعقاد برجام، در جهت‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های خود در اکثر مواقع جانب ایران را داشته‌اند و از مواضع ایران حمایت کرده‌اند (Tabatabai, & Esfandiary, 2018). روسیه و چین، آمریکا را به‌خاطر شرایط پیش‌آمده پس از انعقاد برجام مورد سرزنش قرار داده و این کشور را به‌دلیل خروج از برجام، مسئول وضعیت روبه‌اضمحلال آن دانسته‌اند. در عین حال، این دو کشور نیز در مواضع اعلامی خود، همواره بر ضرورت احیای برجام تأکید کرده و از آن

حمایت کرده‌اند.

۵. رویکرد کشورهای منطقه به موضوع احیای برجام:

کشورهای منطقه خلیج فارس در زمان انعقاد برجام، رویکردی محتاطانه داشتند و عمدتاً از ابزار مخالفت صریح پرهیز داشتند. اگرچه در نهایت با تلاش باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا برای پذیرش این توافق، ولو با اکراه، به آن تن دادند. دلیل اصلی عدم رضایت این کشورها از برجام، تنش‌های سیاسی و فرقه‌ای میان ایران و عربستان طی سال‌های اخیر است (Mousavian, 2018, p p. 169-192). در نتیجه رویکرد کشورهای حوزه خلیج فارس به موضوع احیای برجام با ابراز مخالفت صریح‌تری مواجهه بوده است، به‌ویژه پس از آنکه تسخیر سفارت عربستان در ایران، روابط دو کشور را به شدت تحت‌الشعاع قرار داد. البته در این میان می‌توان اشاره کرد که سه کشور قطر، کویت و عمان، نسبت به موضوع احیای برجام، رویکرد بسیار سازنده‌تری داشتند و حتی در مواردی به انجام میانجیگری میان ایران و قدرت‌های جهانی به‌منظور پیشبرد روند مذاکرات احیای توافق نیز پرداخته‌اند.

#### بررسی عوامل کلیدی و تأثیرگذار

در این گام باید مشخص‌نمائیم که کدام دسته از عوامل کلیدی و تأثیرگذار در موفقیت و شکست، تصمیم‌گیری و نیز موضوع یا موضوعات اساسی مشخص‌شده در گام پیشین مؤثر هستند. برای این منظور لازم است عوامل کلیدی ذیل در باب امکان به فرجام رسیدن احیای برجام و نحوه یا چگونگی این احیا را برشمرد، که عبارتند از:

۱. اراده جمعی برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای؛

یکی از جنبه‌های مهم نظم بین‌المللی فعلی که به‌عنوان یک اصل اساسی تجلی یافته است، مخالفت با هرگونه شرایطی است که به افزایش تعداد کشورهای منجر شود که دارای قدرت هسته‌ای نظامی هستند. بنابراین نظام عدم اشاعه با جدیت از سوی تمامی دارندگان سلاح هسته‌ای حتی از جانب روسیه و چین مورد تأکید و پیگیری است. اگرچه ایران بارها، نیت خود برای عدم تلاش به‌منظور دسترسی به سلاح‌های هسته‌ای را آشکار کرده است، اما نگرانی‌های بین‌المللی به‌خصوص از جانب کشورهای غربی درخصوص احتمال دسترسی ایران به این امر ابزار شده است. به‌ویژه با توجه به اینکه ایران در دانش هسته‌ای، پیشرفت چشمگیر و قابل‌توجهی داشته است و از تکنولوژی غنی‌سازی با غنای بالا نیز برخوردار شده است. در نتیجه علی‌رغم تأکیدات

ایران و نیز عدم وجود گزارش تأییدشده‌ای مبنی بر انحراف ایران به سمت برنامه هسته‌ای غیرصلح‌آمیز، با این وجود، نظام عدم اشاعه یکی از مهمترین جنبه‌هایی است که تمامی قدرت‌های جهانی درباره آن اتفاق نظر دارند؛ اما سطح نگرانی آنها با توجه به اطمینان و یا عدم اطمینان نسبت به نیت ایران، متفاوت است.

## ۲. هویت اسلامی و انقلابی ایران؛

رفتار دولت ایران در مناسبات سیاست خارجی، نشأت‌یافته از هویت اسلامی و انقلابی نظام جمهوری اسلامی است. این دو عنصر هویتی در کنار هم، باعث رفتاری خاص و بعضاً منحصر به فرد را از سوی ایران می‌شوند. رفتاری که اگرچه متأثر از عناصر اسلامی است، ولی متفاوت از رفتار سایر کشورهای مسلمان است. زیرا دیگر کشورهای اسلامی از عنصر بعدی هویتی ایران، یعنی انقلابی بودن برخوردار نیستند و غالباً انتقادی نسبت به نظم بین‌المللی ندارند. همچنین این رفتار خاص، اگرچه رفتاری انقلابی است، ولی متفاوت از رفتار معدود کشورهای انقلابی موجود در عرصه بین‌المللی است. رفتار ایران در قیاس با کشورهای انقلابی چون کوبا و کره شمالی، حساسیت بسیار بیشتری در جامعه جهانی برمی‌انگیزد. زیرا ایران برخلاف آن کشورها به لحاظ هویت مادی و ویژگی‌های سرزمینی از قابلیت‌های بسیار بیشتری برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و اعمال نفوذ برای برهم زدن و یا حداقل مورد تأثیر قرار دادن نظم موجود، برخوردار است. ایران همچنین در مقایسه با کشورهای مدعی نظیر چین، هند و برزیل، نسبت به وضع موجود رفتاری متفاوت دارد. زیرا برخلاف این کشورها که تنها نسبت به نظم بین‌المللی انتقاد دارند، ایران کشوری تجدیدنظرطلب است و درصدد واسازی نظم بین‌المللی است. دولت‌هایی که بنا به دلایل گوناگون از جمله ایدئولوژیک می‌کوشند به نحوی ساختارها نظام بین‌الملل و الگوهای رفتار را دگرگون کنند، دولت‌های تجدیدنظرطلب هستند (قوام، ۱۳۹۰، ص. ۳۰۶). آنها از اینکه قدرت مدعی هژمونی، یعنی ایالات متحده تنها ابرقدرت باشد، رضایت‌خاطر ندارند و در جستجوی دنیایی هستند که همزمان چند قدرت برتر وجود داشته باشد و ابرقدرتی که بخواهد در همه مسائل جهان دخالت کند، وجود نداشته باشد. در مورد دولت ایران، دلیل این تفاوت را نیز باید بسان دیگر موارد، ناشی از هویت آن دانست. دولت ایران، هویتی اسلامی و انقلابی دارد که شاخص آن در مورد هویت، نوعی نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی است. این نظام مناسبات نظام لیبرال دموکراسی را نمی‌پذیرد و بدان انتقادات جدی دارد. در حالیکه قدرت‌های نوظهوری مانند برزیل و

هند و یا حتی کشور چین که پس‌زمینه کمونیستی دارند، تمامی مناسبات نظام لیبرال را پذیرفته‌اند و خواسته یا ناخواسته در جهت آن قدم می‌گذارند.

### ۳. حقوق بین‌الملل (تصمیمات قبلی شورای امنیت و آژانس)؛

نظام منع اشاعه هسته‌ای که پیشتر درباره آن توضیح داده شد، علاوه بر برخورداری از حمایت جمعی قدرت‌های بزرگ، دارای تصریحات مشخصی در حقوق بین‌الملل و از جمله در NPT است. ضمن اینکه خود برنامه هسته‌ای ایران نیز برخوردار از یکسری پیشینه‌های حقوقی شده است که مهمترینش، صدور قطعنامه شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است که براساس آن، در ازای انجام محدودیت بر برنامه هسته‌ای ایران، تمامی قطعنامه‌های تحریمی پیشین علیه کشور لغو گردیده است. همچنین موضوع مکانیسم ماشه که برگرفته از این قطعنامه است نیز از دیگر دغدغه‌های حقوقی است که بر نوع رفتار بازیگران درخصوص برنامه هسته‌ای ایران، تأثیرگذار بوده است. علاوه بر این‌ها، تصمیمات آژانس انرژی اتمی درخصوص ایران نیز جایگاه خاص خود را در تنظیم قواعد حقوق بین‌الملل میان ایران و این نهاد یافته است. در نتیجه مجموعه قواعد و رویه‌های نشأت گرفته از حقوق بین‌الملل نیز ضرورت تبعیت از شکل خاصی از رفتارها را برای مشروعیت دادن به اقدامات بازیگران ذی‌نفع در این پرونده به‌وجود آورده است.

### ۴. اصول روابط بین‌الملل؛

اصول حاکم بر روابط بین‌الملل متفاوت از آن چیزی است که در عمل انتظار است براساس حقوق بین‌الملل محقق شود. زیرا حقوق بین‌الملل یک حقوق پیشرفته نیست و در آن ضمانت اجرایی وجود ندارد (ضیائی بیگدلی، ۱۴۰۱). بنابراین قانون حاکم بر روابط بین‌الملل و منطق حاکم بر آن بیشتر از آنکه جنبه حقوقی داشته باشد، مبتنی بر قدرت و عناصر اعمال قدرت به‌ویژه استفاده از زور است. لذا در مورد دولتی همچون جمهوری اسلامی ایران، در جهانی که نظم آن سامان‌یافته از سوی قدرت‌های بزرگ است، به‌دلیل اینکه با مبانی و اصول آن نظم سازگاری ندارد تعارضات آشکاری میان اصول آنها با حقوق بین‌الملل وجود خواهد داشت. به‌عنوان نمونه اگرچه براساس ماده ۴ اپی‌تی و از منظر حقوق بین‌الملل امکان استفاده صلح‌آمیز کشورها از انرژی هسته‌ای وجود دارد، اما همین امر درباره استفاده دولت ایران چالش‌برانگیز شده و تبدیل به یک بحران بین‌الملل می‌گردد.

### شناسایی پیشران‌ها<sup>۱</sup>

همانطور که در ابتدا ذکر گردید، پیشران‌ها همان نیروهای بزرگ تغییر هستند که این قابلیت را دارند تا صحنه بازی را متحول کنند. در اینجا و به‌منظور تبیین سناریوها، سه نیروی پیشران به شرح ذیل قبال استخراج است:

#### ۱. نظم بین‌المللی؛

به‌دنبال فروپاشی نظام دوقطبی در ابتدای دهه نود میلادی، نظامی جایگزین شد که پژوهشگران درباره ماهیت دقیق آن اتفاق نظر ندارد. برخی بر این اعتقادند که نظام فعلی به‌دنبال این فروپاشی، یک نظام تک‌قطبی است و برخی دیگر بر این باورند که نظام مذکور یک نظام درحال‌گذار است؛ که البته دیدگاه اخیر با اقبالی بیشتر مواجه شده است. درمعنای دقیق‌تر می‌توان یک نوع نظام بین‌الملل یک- چند قطبی<sup>۲</sup> را به‌شرایط فعلی نسبت داد. در این نظام بین‌الملل، برخلاف نظام تک‌قطبی، ابرقدرت به‌تنهایی قادر نیست مسائل و مشکلات بین‌المللی را مدیریت و حل‌وفصل کند؛ بلکه به همکاری و هماهنگی بعضی از قدرت‌های بزرگ دیگر نیز نیازمند است. نظام یک - چندقطبی به‌صورت هیئت مدیره‌ای اداره می‌شود؛ به‌طوری‌که ابرقدرت در حکم رئیس هیئت مدیره است که به‌رغم جایگاه بالاتر برای مدیریت نظام بین‌الملل باید دست‌کم موافقت بعضی از اعضاء را جلب و کسب کند. در نتیجه بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که نظام بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی و پایان نظام دوقطبی نمونه و مصداق نظام یک - چندقطبی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶، ص ص. ۱۴۴-۱۴۳).

درحالی‌که در نظام دوقطبی کشورها می‌توانستند در سایه قطب دیگر و یا در سایه اختلاف بین دوقطبی، بیشتر مصمون بمانند، مسئله پرونده هسته‌ای ایران در این دوران مطرح می‌شود و از آنجا که از یک‌سو در این زمان، وضعیت منازعه‌آمیز بعد از انقلاب اسلامی میان ایران و آمریکا حفظ شده بود و از سوی دیگر بدین دلیل که آمریکا با پایان جنگ سرد به‌عنوان قدرت برتر شناخته می‌شد، چنین شرایطی زمینه‌های دشواری را برای پرونده هسته‌ای ایران پیش‌بینی می‌کرد که سیاست خارجی می‌بایست با آن مواجه شود. ضمن اینکه نظم دلخواه آمریکا تنها به عرصه سیاسی محدود نمی‌شود و در تمامی عرصه‌ها از ابعاد فرانظری گرفته تا ابعاد ساختاری شامل نحوه توزیع قدرت

1. Driving forces
2. Uni- multipolar

منطقه‌ای و نیز چگونگی مدیریت اقتصادی کشور و همچنین درخصوص بعدهاى هنجاری و نهادی، شیوه خاصی را تجویز و تشویق می‌کند. در نتیجه هر تعارضی به‌خصوص چنانچه با منافع آن رویارویی داشته باشد را تحمل نکرده و تنبیه می‌نماید (دهقانی فیروزآبادی و ذبیحی، ۱۳۹۱، ص ص. ۹۰-۷۱).

## ۲. رابطه ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛

رابطه ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مهمترین جنبه مطرح در این پژوهش به‌عنوان یک نیروی پیشران است. چراکه در نهایت، چگونگی این رابطه است که مسیر احیای برجام و یا عدم آن را مشخص می‌نماید. اگرچه واقع‌گرایان اذعان می‌کنند سازمان‌های بین‌المللی ابزار دست قدرت‌های بزرگ برای اعمال سیاست‌های دلخواهشان است، با این وجود، همواره جوانب فنی و حرفه‌ای حائز اهمیت بوده‌اند و لذا این امکان وجود دارد که مسائل حقوقی و فنی، مسائل سیاسی را از خود متأثر سازند. چنانکه حتی با بدترین نوع نگاه به سازمان‌های بین‌المللی، می‌توان گفت جوانب فنی و سازمانی، حداقل به‌عنوان یک نیروی تسهیل‌گر برای اعمال قدرت مطرح هستند.

## ۳. رابطه ایران و عربستان سعودی؛

روابط ایران و عربستان سعودی در عین اهمیت خود می‌تواند سناریوهای مختلفی را در بر داشته باشد که در زیر به‌صورت مفصل‌تر مورد اشاره قرار خواهد گرفت:

### شناسایی عدم قطعیت‌ها

شناسایی عدم قطعیت‌ها، گام کلیدی دیگر در جهت تدوین سناریوهایی است که براساس آینده‌پژوهی سامان یافته است. در مورد وضعیت احیای برجام و در قالب این پژوهش، با توجه به نیروهای پیشران مطرح شده می‌توان به عدم قطعیت‌های زیر اشاره کرد که عبارتند از:

#### ۱. وضعیت حفظ و یا تغییر نظم بین‌المللی؛

اگر نظم بین‌المللی به‌شکل فعلی و به‌صورت یک‌قطبی - چندقطبی باقی بماند که در آن رئیس هیئت‌مدیره همچنان آمریکا است، در این صورت ایران در هر نوع کنشگری در جهت مخالف این نظم با دشواری‌های متعددی از جمله اعمال تحریم‌های قانونی و فراقانونی مواجه خواهد بود و همین امر ممکن است کنشگری ایران را نیز متأثر نماید. چنانچه نظم بین‌المللی از حالت تک‌قطبی خارج شود و بار دیگر نظام چندقطبی ایجاد شود، در صورتی‌که روسیه و چین دارای جایگاه بارزی باشند و همچنان به‌عنوان متحد ایران باقی بمانند، می‌توان انتظار داشت که فشارها بر ایران کاسته شود و ایران در کنشگری خود از آزادی عمل بیشتری بهره‌مند باشد. به‌عنوان مثال در این-

صورت، ایران برای توجیه و متقاعد کردن آژانس در زمینه مشروع بودن برنامه هسته‌ای خود از دشواری‌های کمتری برخوردار خواهد بود.

۲. رابطه مناسب میان ایران و آژانس و یا عدم آن؛

پرسش اساسی دیگر به‌منظور ترسیم دورنمای امنیت منطقه‌ای ناظر بر نوع رابطه ایران و آژانس است؛ چراکه این امر در نهایت وضعیت تحقق و یا عدم تحقق احیای برجام را مشخص می‌کند. پیش‌بینی می‌شود که تحقق هر کدام از این دو وضعیت، شرایط کاملاً متفاوتی را برای امنیت منطقه‌ای به وجود آورد.

۳. رابطه مناسب میان ایران و عربستان و یا عدم آن؛

تغییر رابطه ایران و عربستان در جهت بهبود روابط و یا حفظ رابطه دو کشور به شکل نامطلوب خود می‌تواند دو روی سکه پس از تحقق احیا باشد. در حالت نخست، بهبود روابط میان آنها باعث می‌شود توافق جدید در عمل مورد پذیرش کشورهای منطقه و به‌ویژه عربستان قرار گیرد. در حالت دوم و در صورت عدم تغییر روابط و حفظ آن به شکل فعلی، کشورهای منطقه و به‌ویژه کشورهای مزبور روی خوشی به این توافق نشان نمی‌دهند و با اقدامات خود، نه تنها در جهت تقویت این توافق گام برنخواهند داشت، بلکه حتی تلاش خواهند کرد تا اثر این توافق را کمرنگ کرده و آن را تضعیف نمایند.

### مؤلفه‌های امنیت منطقه‌ای

در اینجا لازم است مؤلفه‌های امنیت منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرند تا از این رهگذر مشخص شود در هر کدام از سناریوهای احصاء‌شده، کدام مؤلفه امنیت منطقه‌ای وجود دارد و یا اینکه این مؤلفه در کدام سناریو نسبت به سناریوی دیگر پررنگ‌تر است. با این دستاویز، امکان مطالعات بیشتر و بهتری به‌منظور ترسیم وضعیت آتی امنیت منطقه‌ای وجود خواهد داشت.

حرکت از امنیتی‌سازی به سوی غیرامنیتی‌سازی بنا بر آنچه «بری بوزان» و سایر اعضای مکتب «کپنهاک» مطرح کرده‌اند، می‌تواند نویدبخش تحکیم و گسترش امنیت در هر منطقه باشد. چراکه «غیرامنیتی‌سازی» به معنای گسترش دادن مرزهای سیاست معمول است. غیرامنیتی‌سازی به معنای «فرایند خارج‌سازی مسائل از دستور کار امنیت و بازگرداندن آنها به حیطه مذاکرات سیاسی عمومی» است و همزمان اعلام اینکه موضوع یا عامل خاصی دیگر مشمول تهدید مسائل امنیتی نمی‌گردد، باعث ادامه بحث در خصوص صحت این اعلان می‌شود. بنابراین غیرامنیتی شدن نه از



طریق مذاکره، بلکه به سبب عدم وجود بحث و مذاکره در مورد آن، اتفاق می افتد (آراس و کار کایا پولات، ۱۳۸۶، ص. ۵۷-۵۶). براساس منطق نظریه امنیتی سازی، امنیت بیشتر ضرورتاً بهتر نیست؛ به این علت که امنیتی سازی همراه خودش، شکل خاصی از سیاست اضطراری را ایجاد خواهد کرد که در آن، فضا و زمان مجاز برای مشورت، مشارکت و چانه زنی محدود و محصور شده و حالتی خاص و نظامی شده از تفکر را به کار خواهد انداخت (Columba, 2010, p. 83).

بنابراین برای حرکت به سوی تحکیم و بهبود وضعیت امنیتی، مکتب «کپنهاک» مطرح می سازد که در بیشتر موارد، ما باید هدف را غیرامنیتی سازی قرار دهیم. در چشم انداز حل منازعه، راه پیشرو اغلب غیرامنیتی سازی به جای تولید امنیت بیشتر است. غیرامنیتی سازی به معنای حرکت دادن مسائل به سمت خارج سازی آنها از حالت اضطراری و داخل سازی آنها به فرایند طبیعی چانه زنی حوزه سیاسی است. در این حالت، باید از جلوه دادن مسائل به مثابه تهدیداتی که دفع آنها نیازمند در اختیار داشتن تمهیدات ویژه است، پرهیز کرد و با خارج کردنشان از زنجیره تهدید-دفاع، آنها را به حوزه همگانی عادی بازگرداند (زارع زاده ابرقویی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۸-۱۰۷).

چنانکه در مورد ایران، بعد از جنگ ایالات متحده علیه طالبان و حکومت بعث صدام، قدرت-یابی گروه های تروریستی نظیر طالبان و القاعده که به ضرر جمهوری اسلامی ایران بود کاسته شده و تهدیداتی که به وسیله این گروه های سیاسی متوجه تمامیت ارضی ایران می شد تا حدود زیادی دفع خطر شده است، اما از سوی دیگر با رشد بنیادگرایی اسلامی و گسترش گروه های تکفیری نظیر داعش و تهدیداتی نظیر گسترش سلاح های کشتار جمعی، عملیات تروریستی و حضور نیروهای خارجی به تهدیدات علیه بقای نظام تبدیل شده اند و از سوی دیگر پیگیری دستیابی به انرژی هسته ای از سوی ایران با مخالفت کشورهای غربی و منطقه روبه رو شده است که با توافق برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) تا حدودی مسئله هسته ای ایران به صورت غیرامنیتی درآمد. هرچند با روی کار آمدن ترامپ توافق هسته ای با چالش اساسی مواجه گردید (آذرشب و مومنی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۴).

با توجه به مجموعه آنچه در خصوص غیرامنیتی سازی به عنوان یک راه برون رفت از معضلات امنیتی مطرح گردید، می توان حداقل سه سطح مختلف را برشمرد که در صورت تحقق هر یک از آنها، این امکان وجود خواهد داشت که امنیت منطقه ای تحکیم و ارتقاء یابد. این سطوح شامل موارد ذیل هستند:

### کاهش تنش‌های منطقه‌ای

کاهش تنش‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای که با رویکردهای مختلف از جمله تنش‌زدایی و میانجی‌گری سایر بازیگران میسر است، به‌عنوان سطح نخست مطرح است. انتظارات از این سطح حداقلی است، با این وجود گامی مهم و اساسی تلقی می‌شود، به‌طوری‌که در صورت تحقق آن می‌توان انتظار داشت که گام‌هایی ابتدایی در جهت بهبود امنیت منطقه‌ای برداشته شده است.

### افزایش همکاری‌های اقتصادی و حرکت به سمت وابستگی متقابل

یکی از سطوحی که می‌توان امنیت را به‌شکل قابل‌ملاحظه‌ای ارتقاء بخشید، توسعه و ارتقای همکاری‌های فنی و اقتصادی است. این انتظار وجود دارد که در صورت نیل به این سطح، امنیت منطقه‌ای به‌شکل قابل‌ملاحظه‌ای ارتقاء یابد، چراکه بازیگران به‌لحاظ منافع مشترک و درهم‌تنیده‌ای که از نظر اقتصادی پیدا می‌کنند، کمتر رویکردهای تقابلی در پیش می‌گیرند. زیرا به‌منظور تداوم انتفاع از این وضعیت می‌بایست با تعادل و تعامل سعی در رفع مشکلات فی‌مابین نمایند و به‌سمت برون‌رفت از بن‌بست‌ها و کش‌وقوس‌های سیاسی حرکت کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۸، ص ۶۵-۴۶). توافق میان ایران و عربستان در سال ۱۹۹۸ برای کاهش عرضه نفت، از جمله اتفاقات نادر در سال‌های اخیر است که تحقق آن را می‌توان در ذیل همین سطح ارزیابی نمود.

### افزایش همکاری‌های سیاسی و حرکت به سوی نظام امنیتی مشارکتی

وقوع تعاملات سیاسی و امنیتی و متعاقب آن شکل‌گیری یک نظام امنیتی منطقه‌ای که در آن همه بازیگران منطقه نقش داشته باشند، بالاترین سطحی مورد انتظار است که در صورت تحقق می‌توان امید داشت که امنیت منطقه‌ای به نقطه تکامل‌یافته خود رسیده است. با این وجود، در تمامی دهه‌های اخیر چنین رخدادی محقق نگردیده است. هدف بلندمدت ایران در خلیج فارس تأمین امنیت این منطقه به‌کمک قدرت‌های حاشیه آن است (رمضانی، ۱۳۹۲، ص ۸۲). از این‌رو بارها پیشنهاد تأمین امنیت منطقه بدین طریق را مطرح کرده و حتی در مواردی خواهان شکل‌گیری نظام امنیتی مشارکتی نیز شده است. اما این رویداد، به‌دلیل عدم تحقق غیرامنیتی‌سازی و نیز به‌وقوع نپیوستن سایر مراحل به‌شکل مؤثر و بادوام، هیچ‌گاه امکان ایجاد و برپایی نداشته است.

### بررسی سناریوهای آینده برجام

#### عدم تحقق احیای برجام

براساس سناریوی نخست، مذاکرات هسته‌ای در نهایت منجر به حصول توافق میان ایران و قدرت‌های جهانی نمی‌شود و احیای برجام شکل نخواهد گرفت. این حالت، علی‌رغم رویکرد و

خواست عمده کشورهای عضو برجام، بدین جهت امکان ظهور دارد که خواسته‌ها و منافع کلیدی بازیگران به یکدیگر نزدیک نشده است. آنها در نهایت به فهم مشترک نائل نشده‌اند. این موضوع بیش از همه، ریشه در زیاده‌خواهی یک و یا تعدادی از بازیگران دارد. اما ممکن است تلاش‌های مخرب سایر بازیگران داخلی و بین‌المللی نیز بر آن اثر سوء داشته است. به‌عنوان مثال می‌توان به تلاش برخی جمهوری خواهان آمریکا برای عدم تحقق احیای برجام اشاره کرد. در این سناریو تعارض میان عامل کلیدی هویت انقلابی - اسلامی ایران از یک سو و سایر عوامل کلیدی نظیر نظم بین‌المللی، اراده جمعی برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و اصول روابط بین‌الملل جدی و چالش برانگیز خواهد بود و لذا امکان احیای برجام وجود نخواهد داشت. در این صورت از اساس، امکان مفاهمه و گفتگو میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس به وجود نخواهد آمد، چراکه در زمانی که هنوز قدرت‌های جهانی به برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان یک موضوع چالش برانگیز می‌نگرند، انتظار این خواهد بود که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز از این نگاه غالب پیروی کرده و تبعیت نمایند. بنابراین در صورت رخداد سناریوی نخست، می‌توان پیش‌بینی کرد که امنیت منطقه‌ای نسبت به قبل متزلزل‌تر خواهد گردید و در بهترین شرایط به شکل فعلی حفظ می‌گردد.

#### احیای برجام همراه با درک تهدیدآمیز کشورهای منطقه

سناریوی دوم ناظر بر این وجه است که احیای برجام محقق می‌شود، اما کشورهای منطقه‌ای و به‌خصوص کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نسبت به این امر نگاهی تهدیدآمیز خواهند داشت. این حالت دو وجه دارد: وجه نخست اشعار می‌دارد که این رویداد منطبق با رویکرد و خواست اکثر کشورهای عضو فعلی و سابق برجام است. چه آمریکای تحت اداره دموکرات‌ها و چه سایر قدرت‌های غربی ترجیح می‌دهند با کمترین هزینه نسبت به صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران اطمینان یابند. ایران نیز با توجه به رویکرد خود در قبال رفع تحریم‌ها از این حالت استقبال خواهد کرد. اما وجه دوم این سناریو، ناظر بر فهم و درک تهدیدآمیز کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است؛ چنانکه آنها تصور خواهند کرد که احیای برجام عامل تهدید امنیتی و اقتصادی برایشان است. به‌لحاظ اقتصادی بدین دلیل که ایران بدور از تحریم را رقیب جدی خود تلقی می‌کنند و به‌لحاظ امنیتی بدین جهت که چنین ایرانی را قدرتمندتر از گذشته و تهدیدی برای منافع خود ارزیابی خواهند کرد.

در این سناریو تعارض میان عامل کلیدی هویت انقلابی - اسلامی ایران و سایر عوامل کلیدی

نظیر نظم بین‌المللی و اراده جمعی برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، چالش جدی ایجاد نمی‌کند و طرفین عضو برجام با حرکت به سوی غیرامنیتی کردن، بر تعارضات پیش‌گفته فائق می‌آیند و احیای برجام را رقم خواهند زد. اما تعارض عامل کلیدی هویت اسلامی - انقلابی با برخی اصول روابط بین‌الملل که در آن اصل بر عدم اعتماد است، باعث می‌شود کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و ایران نتوانند به سوی مفاهمه و درک مشترک پیش روند. در صورت تحقق شرایط منتج به سناریوی دوم، بررسی وضعیت امنیت منطقه‌ای در این حالت، نتایج قابل تأملی به همراه خواهد داشت. در این صورت احیای برجام مواهبی نظیر تنش‌زدایی و رفع برخی سوء تفاهمات را پیش خواهد آورد، اما منجر به این نمی‌شود که کشورها به سمت نظام امنیتی مشارکتی و یا لاقط منافع اقتصادی مشترک پیش روند. در نتیجه پیش‌بینی می‌شود با تحقق سناریوی دوم، اگرچه امنیت منطقه‌ای نسبت به گذشته به طور قابل توجهی بهبود می‌یابد، اما همچنان دستخوش نوسانات خواهد بود.

#### **احیای برجام همراه با درک مسالمت‌آمیز کشورهای منطقه**

بر اساس سناریوی سوم، موضوع احیای برجام تحقق خواهد یافت و علاوه بر آن، این رخداد همراه با فهم مسالمت‌آمیز کشورهای منطقه نسبت به آن خواهد بود. این حالت نیز نظیر سناریوی پیشین دو وجه دارد؛ وجه نخست آن دقیقاً مشابه وجه نخست سناریوی دوم است. اما وجه دوم این سناریو، ناظر بر وجود فهم و درک مسالمت‌آمیز کشورهای منطقه و به‌ویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نسبت به احیای برجام است. در این شرایط آنها بدین درک نائل گردیدند که از یک سو ایران نیز در منافع اقتصادی منطقه سهم دارد و لازم است آن را محترم شمارند و از سوی دیگر به این باور عقلانی رسیده‌اند که تأمین امنیت خلیج فارس بدون مشارکت و حضور فعالانه ایران معنایی نخواهد داشت.

در این سناریو تعارضات میان عامل کلیدی هویت انقلابی - اسلامی ایران و سایر عوامل کلیدی نه آنقدر چالش‌برانگیز است که مانع از احیای برجام شود و نه آنقدر مباحثه‌آمیز است که مانع از مفاهمه و درک مشترک میان ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شود. چراکه در هر دو وضعیت، بازیگران به سمت غیرامنیتی کردن موضوعات پیش رفته‌اند. با این اوصاف، تأثیر تحقق این سناریو بر امنیت منطقه‌ای، نتایجی درخور توجه خواهد داشت، زیرا نه تنها هدف اولیه تنش‌زدایی محقق گردیده است، بلکه بازیگران منطقه‌ای به سمت منافع اقتصادی مشترک و درهم - تندیگی اقتصادی پیش رفته‌اند، و حتی می‌توانند تدارک یک نظام امنیتی مشارکتی را فراهم کنند.

بنابراین پیش‌بینی می‌شود با تحقق آخرین سناریو، امنیت منطقه‌ای به‌شکل محسوسی بهبود پیدا خواهد کرد و کشورهای منطقه به‌سمت همگرایی‌های بیشتری امنیتی و اقتصادی پیش خواهند رفت.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

دستیابی حداکثری به منافع ملی، عمده‌ترین هدف سیاست خارجی هر کشور مترقی است که از بوروکراسی کارآمد درخصوص تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نیز برخوردار است. با توجه به اینکه موضوع انعقاد برجام، خروج آمریکا از آن و تلاش‌ها به‌منظور احیای مجدد این توافق، یکی از بحث‌برانگیزترین و پربسامدترین مباحث سیاست خارجی کشور در دوران معاصر است. در این پژوهش سعی گردید آینده اتفاق‌های مرتبط با این رویداد مورد واکاوی قرار گیرد تا از این رهرو بتوان دورنمای مناسبی جهت تنظیم روابط کشور با سایر بازیگران ملی و فراملی در این‌زمینه ترسیم کرد. به‌ویژه با توجه به اینکه حفظ و ارتقای امنیت منطقه‌ای، یکی از مهمترین جنبه‌هایی است که باعث می‌شود که کشور فضای حیاتی بیشتر و سهل‌الوصول‌تری برای تأمین منافع ملی خود بیابد. البته واضح است که تأمین امنیت منطقه‌ای تنها منوط به اراده یک کشور نیست، بلکه اراده و همکاری چندجانبه عمده کشورهای یک منطقه را می‌طلبد. با این‌وجود، هر کشوری به سهم خود می‌تواند در این‌زمینه تلاش کرده و سایر بازیگران هم‌منطقه‌ای خود را نیز برای تحقق این امر تشویق نماید. لذا از آنجاکه براساس نتایج این پژوهش، درصورت تحقق سناریوی اول امنیت منطقه‌ای نسبت به قبل متزلزل‌تر خواهد گردید و یا در بهترین حالت به شکل قبلی خود حفظ خواهد شد و نیز بدین سبب که با احتساب تحقق سناریوی دوم، اگرچه امنیت منطقه‌ای نسبت به گذشته به‌طور قابل‌توجهی بهبود می‌یابد، ولی همچنان دستخوش نوسانات خواهد بود؛ بنابراین تلاش به‌منظور تحقق سناریوی سوم می‌تواند کشور را در شرایط تأمین حداکثری منافع ملی قرار دهد. چراکه در صورت تحقق این سناریو، امنیت منطقه‌ای به‌شکل محسوسی بهبود پیدا کرده و ارتقاء خواهد یافت. در نتیجه، سیاست خارجی علی‌رغم علم داشتن به محدودیت‌های موجود به‌ویژه در زمینه تأثیرگذاری بر اراده سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، لازم است تلاش نماید تا به‌سهم خود، مقدمات تحقق آخرین سناریو را فراهم آورد و همزمان سایر بازیگران به‌ویژه بازیگران منطقه‌ای را برای تحقق این سناریو فراخوانده و تشویق نماید.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- آذرشب، محمدتقی و مؤمنی، سید محمد جواد (۱۳۹۶). الزامات امنیت منطقه‌ای و استراتژی امنیتی ایران در خاورمیانه. *فصلنامه راهبرد سیاسی*، ۱ (۲)، ص ۱۵۴.
- آراس، بولنت و کار کایا، پولات رایبا (۱۳۸۶). از مناقشه تا همکاری؛ غیرامنیتی کردن روابط ترکیه با ایران و سوریه. ترجمه معصومه ظفرمند، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۱۶ (۴) (۵۹).
- تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۹۰). آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۶). اصول و مبانی روابط بین‌المللین الملل (۱). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و ذبیحی، رضا (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی ایران و عدم مطلوبیت نظم بین‌المللی موجود. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۹ (۳۱)، ۹۰-۷۱.
- ذبیحی، رضا (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب برنامه و دیپلماسی هسته‌ای. تهران: وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات.
- رمضان‌نیا، روح‌الله (۱۳۹۲). چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. چاپ هفتم، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- زارع‌زاده ابرقویی، رسول (۱۳۹۶). نگاه کپنهاکی به امنیتی‌سازی: مبانی و چالش‌ها. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۰ (۳۶)، ۱۰۸-۱۰۷.
- شوارتز، پیتر (۱۳۸۶). هنر دورنگری: برنامه‌ریزی برای آینده در دنیای با عدم قطعیت، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی. مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، گروه دانش و فناوری آینده‌پژوهی.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۴۰۱). حقوق بین‌الملل عمومی. چاپ هفتادوششم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- علی احمدی، علیرضا، تقفی، فاطمه و فتحیان، محمد (۱۳۸۶). ارائه متدولوژی تحلیل روند برای شکل‌گیری استراتژی و آینده‌نگاری. مدیریت فردا، ۵ (۱۸)، ۱۴-۴.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰). روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی ثبات سیاسی در ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مردوخ، بایزید (۱۳۹۱). روش‌شناسی آینده‌نگری. تهران: نشر نی.
- مرشایم، جان (۱۳۸۸). ترازوی سیاست قدرت‌های بزرگ. ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- والتر، کنت نیل (۱۳۹۲). نظریه سیاست بین‌الملل. ترجمه: غلامعلی چگنی‌زاده و داریوش یوسفی، تهران: وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات.

### (ب) منابع انگلیسی

- Boas, F. (1920). The methods of ethnology. *American Anthropologist*, 22(4).
- Columba, People & Williams Nick Vaughan (2010). *Critical Security Studies: An Introduction*, Routledge.
- Einhorn, Robert (2022). Reviving the JCPOA is the better alternative—but can it be made sustainable?, Brookings, May 2022
- Hamid, M. A., & East, A. (2021). Is the JCPOA-2015 deal a solution to Iran's nuclear crisis?. Aalborg University. faculty of Social Sciences, Development and International Relations.
- Mousavian, S. H., & Mousavian, M. M. (2018). Building on the Iran nuclear deal for international peace and security. *Journal for Peace and Nuclear Disarmament*, 1(1).
- Schwartz, P. (1991). *The Art of the Long View: Planning for the Future in an Uncertain*. New York: Currency Doubleday.
- Tabatabai, A., & Esfandiary, D. (2018). *Triple-Axis: Iran's Relations with Russia and China*. Bloomsbury Publishing.

